

«به نام خدا»

سوال: برای امتحان نهایی چه تلمیح یا تصمین هایی را باید حفظ باشم؟

جواب: اول تلمیح ها را بعْضُون:

- ۱ - گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد
تلمیح په داستان په دار کردن حسین پن منصور حلاق (عارف پذرگ قرن چهارم)
- ۲ - این مه که چون منیزه لب چاه می نشست
گریان به تازیانه افراسیاب رفت
تلمیح په داستان پیشون و منیزه
- ۳ - یار بی پرده از در و دیوار
در تجلی است یا اولی الابصار
تلمیح په آیه ۵۵، سوره پقره «فَإِنَّمَا تُؤْلَوَا فِتْنَمْ وَجْهَ اللَّهِ
- ۴ - نه خدا توامش خواند نه بشر توامش گفت
متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را
«تلمیح په حدیث «لا فتی الـ علی، لا سیف الـ دوالفقار»
- ۵ - چون جواب احمد آمد خامشی
این درازی در سخن چون می کشی
تلمیح په مثل معروف «جوابِ الاحمقِ السکونَ»
- ۶ - عشرتی دارم به یاد روی آن گل در قفس
عشق افکنده است با یوسف به یک زندان مرا
تلمیح په داستان زندگی حضرت یوسف (ع) و په زندان افغان (ایشان)
- ۷ - مجنون که به دیوانه گری شهرو شهرو است
در دشت جنون همسفر عاقل ما بود
تلمیح په داستان «مجنون» که عاشق لیلی پود
- ۸ - جانم ملوں گشت ز فرعون و ظلم او
آن نور روی موسی عمرانم آرزوست
تلمیح په داستان حضرت موسی (ع) و ماجراهایش پا فرعون
- ۹ - یا رب این آتش که بر جان من است
سرد کن زان سان که کردی بر خلیل
تلمیح په داستان حضرت ابراهیم (ع) که آتش په ایشان په گلستان تبدیل شد
- ۱۰ - همچو فرهاد بود کوهکنی پیشنه ما
کوه ما سینه ما ناخن ما تیشه ما
تلمیح په داستان فرهاد که عاشق شیدین پود
- ۱۱ - حرفي است این که خضر به آب بقا رسید
تلمیح په داستان زندگی حضرت حضرت (ع)؛
حضرت از پندگان صالح مخدوا از همراهان حضرت موسی(ع) پود.
روایت است که وی توائیست په آپ حیات (آپی که نوشیدن شن په انسان حیات چاودان می پخشند)، دست یا پد.

<p>جسمی دارم چو جان مجnoon همه درد جانی دارم چو زلف لیلی همه تاب</p> <p>تلمیح به ماجراهای عاشقانه محسرو و شیرین (شاهزاده های ایرانی و ارمنی او لیلی و مجnoon) (دو تن از جوانان قبایل خاقانی)</p>	<p>بنختی دارم چو چشم خسرو همه خواب</p> <p>عرب که داستان عشقشان مشهور و چهانگیر است.</p>
<p>نیان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا</p> <p>مصراع اول تلمیح به گلستان شدن آتش پر حضرت ابراهیم (ع)</p>	<p>سنایی</p> <p>مصراع دوم تلمیح به داستان خشک شدن رود نیل بر حضرت موسی (ع) (یارانش هنگام عبور از آن رود</p>
<p>ت) من نمازم را وقتی می خوانم که اذانش را باد گفته باشد سر گل دسته سرو من نمازم را بی تکبیره الاحرام علف سهراپ سپهری</p>	<p>که اذانش را باد گفته باشد سر گل دسته سرو من نمازم را بی تکبیره الاحرام علف می خوانم بی قد قامت موج.</p>
<p>رہی معیری</p>	<p>تلمیح به آیه‌ی قرآن «یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ الْعَزِيزُ الْعَكِيرُ» مفهوم: هر آنچه در آسمان و زمین است در حال تسبیح خداوند هستند. ث) دامن خاک شد ز بست و لعل تاج فرعون و گنج دقیانوس</p>
<p>فاضل نظری</p>	<p>تلمیح به ماجراهای زندگی فرعون و دقیانوس فرعون نماد قدرت و پادشاهی بی اعتبار است. با مرگ فرعون، تمام عظمت و شکوه او نیز از بین رفت. دقیانوس هم امپراتور روم در قرن سوم میلادی بود</p>
<p>طالب آملی</p>	<p>هر که لاف عشق زده نامی هم از فرهاد برد</p> <p>تلمیح به داستان عاشقانه شیرین و فرهاد چ) آنکه سنگین می رود در هر قدم گوبی ز شوق</p>
<p>حافظ</p>	<p>روح مجnoon چنگ در دامن محمل می زند</p> <p>تلمیح به داستان عاشقانه لیلی و مجnoon ح) در آینه دوباره نمایان شد / با ابر گیسوانش در باد / باز آن سرود سرخ آنالحق / ورد زبان اوست. محمدرضا شفیعی کدکنی تلمیح به گفتة معروف منصور حلّاج (عارف پنرگ قرن چهارم) که همواره تکرار می کرد: آنی الحق.</p>
<p>حافظ</p>	<p>«من از آن روز که در بند توام، آزادم»</p> <p>حافظ در این بیت مصروع از بیت سعدی را تضمین کرده است.</p>
<p>سعدی</p>	<p>کنزیمش «بوی جوی مولیان آید همی»</p> <p>حافظین حافظ در این بیت یک مصraig از شعر رودکی را تضمین کرده است.</p>
<p>«مولوی»</p>	<p>«کل یوم هو فی شان» ای پسر</p> <p>مولوی پرای پهتر ادا کردن مقصود خویش، آیه‌ای از قرآن را تضمین کرده است.</p>
<p>سعدی</p>	<p>درویش بی معرفت نیارامد تا فقرش به کفر انجامد؛ «کاد الفقر ان یکون کفر»</p> <p>سعدي این حدیث را در سعنه خویش تضمین کرده است. او با استفاده از این حدیث به پهترین شکل، ارتباط بین کفر و فقر را نشان داده است.</p>

- | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| <p>۱- بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «روسرینه به بالین، تنها مرا رها کن»</p> <p>محمد رضا شفیعی کدکنی</p> | <p>قسمت مشخص شده تضمینی از شعر مولانی است.</p> |
| <p>۲- بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «روسرینه به بالین، تنها مرا رها کن»</p> <p>محمد رضا شفیعی کدکنی</p> | <p>قسمت مشخص شده تضمینی از شعر مولانی است.</p> |
| <p>۳- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۴- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۵- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۶- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۷- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۸- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۹- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۱۰- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |
| <p>۱۱- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدنگاه حق عبادتیک»</p> <p>عاصم حسینی</p> | <p>تضمین از حدیث پیامبر (ص)</p> |

موقق پاٹی

جعفری ملک و میرزا